

حسین بن علی علیه السلام

در گفتار و رفتار

رسول الله (ص)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم (بر اساس مهمترین منابع اهل سنت)

نویسنده:

ناظر حسین زکی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله(ص)(بر اساس مهم ترین منابع اهل سنت)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۹	اذان گفتن پیامبر در گوش های حسین
۱۰	عقیقه پیامبر برای حسنین
۱۰	تعویذ پیامبر برای حسنین
۱۰	ناراحت شدن پیامبر به جهت گریه حسین
۱۰	زبان پیامبر در کام حسنین برای رفع عطش آنان
۱۲	بوسیدن لب های حسین
۱۳	بالا رفتن حسین بر سینه پیامبر
۱۳	حسین از من است و من از حسین
۱۴	نظر به سیمای حسین نظر به سیمای پیامبر
۱۵	شباهت حسین به رسول الله
۱۶	حسین ریحانه پیامبر
۱۶	حسین بر کتف پیامبر
۱۸	حسین سرور جوانان بهشت
۱۹	تزیین بهشت به حسنین
۲۰	خبر دادن جبرئیل به شهادت و محل شهادت امام حسین
۲۴	دستور پیامبر به یاری حسین
۲۴	گذاردن حضرت رسول تربت امام حسین را در نزد ام سلمه و خون آلود شدنش در روز عاشورا
۲۵	خواب دیدن ام سلمه و ابن عباس رسول خدا را در هنگام شهادت امام حسین
۲۶	امام حسین ثمره پیامبر
۲۷	محاربه با اهل بیت: محاربه با رسول الله

۲۹ بنی امیه شجره ملعونه و میغوض رسول الله

۳۰ درباره مرکز

حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله (ص) (بر اساس مهم ترین منابع اهل سنت)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: زکی، ناظر حسین (حمید)

عنوان و شرح مسئولیت: حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله (ص) (بر اساس منابع اهل سنت) [منبع الکترونیکی] / ناظر حسین (حمید) زکی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۰ بایگانی: ۷۰.۵KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

احادیث

محمد (ص)، پیامبر اسلام

مقدمه

ابا عبدالله الحسین (ع) سومین امام معصوم شیعیان است که در سوم ماه شعبان، سال چهارم هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. مادر آن حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول الله (ص)، سیده بانوان جهان است، و پدر بزرگوارش حضرت علی (ع) فرزند ابو طالب، پسر عم رسول خدا (ص) است. حضرت محمد مصطفی (ص) آخرین پیامبر و فرستاده خداوند جد بزرگوار آن حضرت است. ابا عبدالله الحسین (ع) دارای ۱۱ فرزند بود، هفت پسر و چهار دختر. عمر شریف آن حضرت پنجاه و هفت سال و چهار ماه و هفت روز است. دوران امامتش هم یازده سال و ده ماه و سه روز بود. حسین (ع) وقتی به دنیا آمد پیامبر او را در آغوش گرفت، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و بدین سان در گوش او نخستین بار بانگ توحید طنین انداز گردید. رسول خدا (ص) به امر خدای یکتا، او را حسین نامید. زبان در دهان نوزادش گذاشت و کودک زبان جدش را بمکید. حضرت فرمود: فرزندم! خداوند لعنت کند کسانی را که تو را به شهادت می رسانند. پیامبر خدا (ص) در هفتمین روز تولد او دو گوسفند عقیقه کرد، یک رانش را به قابله داد. سر نوزاد را تراشید و هم وزن موی سر او نقره به فقرا صدقه داد. شکم های بینوایان

راسیر کرد. رسول خدا (ص) نوزاد را بر دامن نهاد و فرمود: کشته شدنت بر من بسی گران است. و حضرت بسیار گریست و فرمود: برای فرزندم می گریم. او را گروهی کافر و ستمکار خواهند کشت. حسین بن علی (ع) شش سال از دوران کودکی خود را همراه جدش محمد مصطفی (ص) سپری کرد. مدت سی سال با پدر بزرگوار علی بن ابی طالب (ع) زندگی نمود، پس از شهادت پدر بزرگوارش، ده سال با برادرش امام حسن مجتبی (ع) بود، پس از آن که برادرش در سال ۵۰ هجری قمری مسموم شد و به شهادت رسید، ده سال تمام در دوران حکومت ظالمانه و ستمگرانه معاویه زیست و همیشه با او در ستیز بود. پس از درهم پیچیده شدن طومار عمر معاویه، فرزندش یزید که ولی عهد معاویه بود، به حاکمیت رسید، و در نیمه ماه رجب ۶۰ هجری به ولید پسر عتبه که حاکم مدینه بود، نامه نوشت تا از امام حسین (ع) برای یزید بیعت بگیرد. حاکم مدینه امام را برای بیعت با یزید فراخواند، و امام (ع) در جواب حاکم مدینه فرمود: «ای حاکم مدینه! تو می دانی که ما اهل بیت پیامبر و معدن رسالتیم، خانه ما محل نزول و رفت و آمد ملائکه و جایگاه نزول رحمت الهی است. خداوند اسلام را از خاندان ما آغاز و افتتاح نموده و تا پایان نیز با ما پیش خواهد برد. ولی یزید مرد شراب خوار و قاتل انسان های بی جرم و بی گناه است. یزید فردی است که آشکارا از حدود الهی تجاوز کرده و به طور علنی دست به فسق و فساد می زند، هیچ گاه مردی همانند من، به فردی مثل یزید دست بیعت نمی دهد. امام از

بیعت با یزید سرباز زد، و از این که تحت فشار شدید بود در ۲۸ رجب همان سال، مدینه رسول الله را به قصد مکه مکرمه ترک گفت و در سوم شعبان در مکه رحل اقامت افکند، و به افشاگری از حکومت یزید پرداخت. امام بنا به دعوت و رسیدن نامه های بی شمار از طرف مردم کوفه که افزون از ۱۲۰۰۰ نامه ذکر شده، پسر عمویش حضرت مسلم فرزند عقیل را به نمایندگی خود به کوفه فرستاد. خود اعمال حج را به دلیل نا امن شدن فضای مکه نیمه تمام گذاشته و در روز هشتم ذیحجه با اهل و عیال و به همراهی جمعی از یاران خود، به سوی کوفه حرکت کردند، و در روز دوم محرم سال ۶۱ هجری در کربلا رسیدند. و در روز دهم محرم همراه یاران با وفای خویش به مقام والای شهادت رسیدند، که تا امروز و تا دامنه قیامت، حقانیت راه و مکتب او همچنان فروزان تر از خورشید می درخشد، و قاتل او مورد لعن خدا، و رسولش، و ملائکه و بندگان صالح خدا است چنان که رسول الله به صراحت این مطلب را بارها بیان فرموده است. احادیث گردآوری شده در این مقاله برخی از احادیث و روایاتی است که از زبان رسول الله در منابع و کتاب های اهل سنت بیان شده است. و امید است با مطالعه و دقت در کلام و بیان رسول خدا که در باره فرزند و پاره تنش امام حسین (ع) بیان فرموده، هر چه بیشتر و بهتر حسینش را از زبان جدش رسول الله بشناسیم.

اذان گفتن پیامبر در گوش های حسین

عن عبیدالله بن أبی رافع عن أبیه، قال: «رأیت رسول الله (ص) أذن فی

أذن الحسين (ع) حين ولدته فاطمه (س). حاكم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین و هم چنین محب الدین شافعی در ذخائر العقبی گفته است: عبدالله پسر اَبی رافع و او از پدرش روایت کرده است: «هنگامی که امام حسین (ع) از حضرت فاطمه (س) متولد شد، رسول خدا (ع) را دیدم که در گوش های حسین (ع) اذان گفت.»

عقیقه پیامبر برای حسنین

عن عبدالله بن بریده، عن أبيه: «إن رسول الله (ص) عقی عن الحسن والحسين (ع) بکبشین کبشین» نسائی در سننش گفته است: از عبدالله پسر بریده و او از پدرش روایت کرده است: «رسول خدا (ص) برای امام حسن و امام حسین (ع) (در هنگام تولدشان) دو گوسفند، دو گوسفند عقیقه کرد.» ابو داود این حدیث را در سننش از ابن عباس روایت کرده است، و همچنین این حدیث در تاریخ بغداد، حلیه الاولیا و غیره نیز وارد شده است.»

تعویذ پیامبر برای حسنین

عن ابن عباس قال: «كان النبي (ص) يعوذ الحسن والحسين (ع) و يقول: إن أباً كما كان يعوذ بها إسماعيل وإسحاق: أعوذ بكلمات الله التامة، من كل شيطان وهامة، و من كل عين لامة.» بخاری، ترمذی وابن ماجه در کتاب های شان گفته اند: از ابن عباس روایت شده که او گفت: «پیامبر (ص) حسن و حسین (ع) را تعویذ می کرد و می گفت: پدر شما اسماعیل و اسحاق را به این کلمات تعویذ می کرد: به وسیله کلمات تامه خداوند از هر شیطان آسیب رسان، و از هر چشم بد پناه می برم.»

ناراحت شدن پیامبر به جهت گریه حسنین

عن يزيد بن أبي زياد قال: خرج النبي (ص) من بيت عائشه فمرّ على بيت فاطمه (س) فسمع حسينا يبكي فقال: «ألم تعلمي أن بكائه يؤذيني؟» در تاریخ دمشق، مجمع الزوائد و غیره از یزید پسر زیاد نقل شده که او گفته است: «حضرت پیامبر (ص) از منزل عائشه بیرون شد، گذرش به خانه حضرت فاطمه (س) افتاد، گریه حسنین را شنید، آن حضرت (به دخترش فاطمه) فرمود: «مگر نمی دانی که گریه حسنین مرا ناراحت می کند؟»

زبان پیامبر در کام حسنین برای رفع عطش آنان

عن ابي هريره قال: «اشهد لخرجنا مع رسول الله (ص) حتى اذا كنا ببعض الطريق سمع رسول الله (ص) صوت الحسن والحسين (ع) وهما يبكيان مع أمهما، فأسرع السير حتى أتاهما فسمعته يقول: ما شأن ابني؟ فقالت: العطش، قال: فأخلف رسول الله (ص) الى شنه يتوضأ بها فيها ماء وكان الماء يومئذٍ أهداراً والناس يريدون الماء، فنادي هل أحدمنكم معه ماء؟ فلم يجد أحد منهم قطره. فقال: ناوليني أحدهما، فناولته إياه من تحت الخدر. فأخذه فضمه الى صدره وهو يضغو ما يسكت فأدلع له لسانه، فجعل يمصه حتى هدأ وسكن وفعل بالآخر كذلك» در تهذيب التهذيب، و مجمع الزوائد و نیز در غیر این دوتا، از ابو هريره روایت شده که او گفت: «گواهی می دهم که ما به همراه رسول خدا (ص) در بعضی از کوچه ها راه می رفتیم، و آن حضرت صدای گریه حسن و حسین (ع) را - که همراه مادرشان بودند - شنید. من از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «پسرانم را چه شده که گریه می کنند؟ فاطمه فرمود: بر اثر تشنگی می گریند! حضرت برای حسنینش در طلب آب برآمد و در این حال و

احوال آب نایاب بود و همه مردم در

پی آن بودند؛ حضرت با آواز بلند فرمود: آیا کسی از شما با خودش آب دارد؟ ولی هیچ کس، حتی یک قطره آب نداشت! حضرت (به فاطمه (س)) فرمود: یکی از آنان را به من بده، حضرت فاطمه (س) یکی از بچه ها را از زیر پوشش و ستر بیرون آورده و به پیامبر (ص) داد، حضرت او را گرفت و بر سینه اش چسباند، طفل صیحه می کشید، حضرت زبان مبارکش را در کام او نهاد، طفل زبان حضرت را می مکید تا آرام و ساکت شد. حضرت همین رفتار را با دیگری انجام داد او نیز آرام گشت.»

بوسیدن لب های حسین

عن أبي هريره قال: كان النبي (ص) يدلع لسانه للحسين (ع): فيرى الصبي حمرة لسانه فيهش فقال: عينية بن بدر: ألا أراه يصنع هذا بهذا؟ فوالله إنّه ليكون لي الولد قد خرج وجهه وما قبلته قط، فقال: «من لا يرحم لا يُرحم.» احمد حنبل در مسندش از ابو هريره نقل کرده که او گفته است: «پیامبر (ص) زبانش را برای حسین (ع) (در حال کودکی او) بیرون می آورد، کودک سرخی زبان او را می دید، با اشتیاق و سرور به او متمایل می شد. عینه پسر بدر که این حالت را مشاهده کرد، با تعجب گفت: پیامبر را می بینم که با این بچه چه کار می کند؟! به خدا سوگند من اولاد و فرزند دارم و صورت آنان را هرگز نبوسیده ام. رسول خدا (ص) (در جواب کلام عینه) فرمود: «کسی که رحم نداشته باشد مورد ترحم قرار نمی گیرد.» این حدیث به صراحت و روشنی این مطلب را می رساند که حضرت رسول (ص) برای خوشحالی امام حسین در هنگام کودکی او زبان مبارکش را برای بیرون می آورد، تا فرزندش را خوشحال

سازد، و هنگامی که این عمل مورد تعجب مردان بی رحم واقع می شد، پاسخ حضرت این بوده است که «کسی که بی رحم باشد، مورد ترحم قرار نخواهد گرفت.»

بالا رفتن حسین بر سینه پیامبر

عن معاویه بن ابي مزرد، عن ابيه، قال: سمعت ابا هريره يقول: ابصرت عيناي هاتان و سمعت اذناي رسول الله (ص) وهو آخذ بكفي حسين وقدماه على قدمي رسول الله (ص) وهو يقول: «حزقه حزقه ترق عين بقه» فرقى الغلام حتى وضع قدميه على صدر رسول الله (ص) ثم قال رسول الله (ص): «افتح فاك» ثم قبله، ثم قال: «اللهم احبه فاني احبه.» معاويه پسر ابي مزرد از پدرش نقل کرده است: از ابو هريره شنيدم که می گفت: با دو چشمم ديدم و با دو گوشم از رسول خدا (ص) شنيدم - در حالی که آن حضرت دو دست حسينش را گرفته بود و قدم های کوچکش روی قدم های رسول الله (ص) بود - می فرمود: «کوچولو کوچولو، بالا- بیا!» سپس کودک بالا بالا آمد تا قدم هایش را روی سینه رسول خدا (ص) نهاد. پس از آن رسول خدا فرمود: «لبهائت را باز کن» سپس لب های او را بوسید و فرمود: «خداوندا او را دوست بدار! چون من او را دوست دارم.» این حدیث به همین مضمون و با اندک تفاوتی در الاصابه ابن حجر عسقلانی، و معجم کبیر طبرانی و نیز در غیر آن ها ذکر شده است.

حسین از من است و من از حسین

عن يعلى بن مّره قال: إنهم خرجوا مع النبي (ص) الى طعام دعوا له: فإذا حين يلعب في السكه، قال: فتقدم النبي (ص) أمام القوم وبسط يديه فجعل الغلام يفرها هنا و هاهنا يضاحكه النبي (ص) حتى أخذه، فجعل احدي يديه تحت ذقنه والاخرى في فأس رأسه فقبله و قال: «حسين مني و أنا من حسين أحب الله من أحب حسينا، حسين سبط من الاسباط.» ابن ماجه از يعلى پسر مّره روایت کرده که او گفت: «عده ای

به همراه حضرت پیامبر (ص) به سمتی که جهت صرف طعام دعوت شده بودند، می رفتند، در این هنگام حسین (ع) در کوچه بازی می کرد، حضرت پیامبر (ص) جلو آمده، آغوش مبارک را به سوی حسین خردسالش باز کرد، کودک این سو و آن سو فرار می کرد، پیامبر (ص) می خندید تا او را گرفت، سپس آن حضرت یک دست مبارک را زیر چانه کودکش و دست دیگر را بالای سر او نهاد، و سپس او را بوسید و فرمود: حسین از من است و من از حسین! خداوند دوست می دارد کسی را که حسین را دوست بدارد، حسین فرزندی از فرزندانم است». این حدیث به همین مضمون و با اندک تفاوتی در سنن ترمذی، مسند أحمد حنبل، اسد الغابه و سنن کبرای بیهقی و غیره ذکر شده است.

نظر به سیمای حسین نظر به سیمای پیامبر

فی ذیل تفسیر قوله: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) قال أعرابي قصد الحسين بن علي (ع) فسلم عليه وسأله حاجته، وقال: سمعت جدك يقول: «إذا سألتكم حاجة فاسألوها من أربعه، إما عربي شريف، أو مولى كريم، أو حامل القرآن، أو صاحب وجه صبيح، فأما العرب فشرفت بجدك، وأما الكرم فدأبكم وسيرتكم، وأما القرآن ففي بيوتكم نزل، وأما الوجه الصبيح فأئني سمعت رسول الله (ص) يقول: «إذا أردتم أن تنظروا إلى فانظروا إلى الحسن والحسين». فخر رازی در تفسیر کبیرش در ذیل آیه شریفه (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) گفته است: اعرابی نزد امام حسین (ع) آمد، بر آن حضرت سلام کرد، و حاجتش را طلب نمود، و به آن حضرت گفت: از جدت رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «اگر حاجتی خواستید از چهار نفر بخواهید: یا از عرب شریف، یا از مولای

کریم، یا از حامل قرآن، یا از کسی که دارای سیمای روشن و چهره نورانی است. (همه این اوصاف در شما است)، از لحاظ عرب بودن به سبب جدت رسول الله شریف هستی، و از جهت کرم؛ کرامت و بزرگواری ادب و سیره شماست. و اما از جهت قرآن؛ کلام خدا در خانه های شما نازل شده است. و اما چهره نورانی؛ من از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «هرگاه خواستید به طرف من نظر کنید، به حسن و حسین نگاه کنید.» این حدیث به خوبی نشان می دهد که حضرت امام حسین (ع) و هم چنان برادرش امام حسن (ع) در نزد رسول خدا از چنان موقعیت و مقامی برخوردار بوده که نظر به چهره آنان، نظر به سیمای مبارک رسول الله (ص) است، و بدون تردید هرگونه هتک و بی حرمتی به آنان هتک و بی حرمتی به رسول الله (ص) است. و در این مورد احادیث فراوانی وارد شده که در جایش ذکر خواهد شد.

شبهت حسین به رسول الله

عن أنس بن مالك قال: «أتى عبيدالله بن زياد برأس الحسين بن علي (ع) فجعل في طست، فجعل ينكث وقال: في حسنه شيئاً، فقال أنس: كان أشبههم برسول الله (ص) وكان مخضوباً بالوسمه.» از انس بن مالک روایت شده که او گفت: «سر حسین بن علی (ع) را برای عبيدالله پسر زیاد آوردند، پسر زیاد سر مبارک حسین (ع) را در طشت گذاشت، و با نی شروع به زدن سر مبارک آن حضرت نمود! و در زیبایی او با خودش چیزی گفت! و انس گفته است که چهره امام حسین (ع) بیشتر از همه شبهت به رسول خدا (ص) داشت. و محاسن شریفش با وسمه

خضاب بود.» این مطلب در صحیح بخاری و سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل و غیره به تفصیل روایت شده است. عن محمد بن الضحاک بن عثمان قال: «کان جسد الحسین (ع) شبه جسد رسول الله (ص)» ابو بکر هیشمی در مجمع الزوائد و همچنین طبرانی در معجم کبیرش و نیز غیر این دو تا روایت کرده اند که محمد پسر ضحاک، پسر عثمان گفته است: «اندام حسین (ع) شبیه اندام رسول خدا (ص) بود.»

حسنین ریحانه پیامبر

عن انس بن مالک قال: «دخلت أو ربما دخلت على رسول الله (ص) والحسن والحسين (ع) ينقلبان على بطنه و يقول: ريحانتي من هذه الامة.» نسائی در سننش و هم چنین هیشمی در مجمع الزوائد روایت کرده اند که انس بن مالک گفت: «چه بسا اوقاتی که خدمت رسول خدا (ص) می رسیدم، حسن و حسین (ع) را می دیدم که روی شکم آن حضرت می پریدند و رسول خدا (ص) می فرمود: «دو ریحانه من از میان این امت هستی.» عن ابن أبي نعیم، قال: كنت شاهداً لابن عمرو وسأله رجل عن دم البعوض، فقال: ممن أنت؟ فقال: من أهل العراق. قال: انظروا الى هذا! يسألني عن دم البعوض وقد قتلوا ابن النبي (ص)، وسمعت النبي (ص) يقول: «هما ريحانتي من الدنيا.» این حدیث به همین از طرق متعدد و مختلف در کتاب های مختلف اهل سنت از جمله سنن ترمذی، خصائص نسائی، مسند احمد حنبل و غیره ذکر شده است.

حسنین بر کتف پیامبر

عن عمر، قال: رأيت الحسن والحسين (ع) على عاتق النبي (ص)، فقلت: نعم الفرس تحتكما، فقال النبي (ص) و نعم الفارسان هما.» از عمر روایت شده که او گفته است: «حسن و حسین (ع) را دیدم که بر کتف پیامبر (ص) سوار بودند، و من به آنان گفتم: اسب سواری خوبی دارید! رسول خدا (ص) فرمود: این دو تا نیز سواران خوبی هستند.» این حدیث در کتف العمال و غیره نیز ذکر شده است و همچنین مضمون این حدیث در سنن ترمذی و مستدرک الصحیحین و غیره نیز آمده است. دوست داشتن حسنین دوست داشتن رسول الله، دشمنی با حسنین دشمنی با رسول الله، زر بن حبیش قال: کان رسول الله (ص) ذات یوم یصلی بالناس فأقبل

الحسن و الحسين (ع) و هما غلامان فجعللا- يتوثبان على ظهره إذ سجد، فأقبل الناس عليهما ينحونهما عن ذلك، قال: «دعوهما بأبي وأمي، من أحبني فليحب» هذين. بیهقی در سنن کبرایش ذکر نموده است: زر پسر حبیش گفته است: «روزی رسول خدا (ص) با مردم نماز می خواند، حسن و حسین (ع) که کودک بودند به سمت آن حضرت آمدند، و هنگامی که رسول خدا (ص) به سجده می رفت، حسنین (ع) بر پشت جد بزرگوارشان بالا می شدند. مردم خواستند که آن دو کودک را از حضرت دور کنند و مانع بشوند، پیامبر خدا (ص) فرمود: «آنان را به حالشان بگذارید، پدر و مادرم فدایشان باد! هر کسی که مرا دوست دارد، باید این دو را دوست بدارند.» عن اسامه بن زید قال: قال النبي (ص): «هذان ابناي وابنا ابنتي، اللهم اني أحبهما فأحبهما وأحب» من يحبهما. ترمذی در سننش روایت کرده که اسامه بن زید گفته است: پیامبر خدا (ص) فرمود: «این دو تا (اشاره به حسن و حسین (ع))، دو فرزند من اند و پسران دخترم، خداوندا، این دو را دوست می دارم، پس تو آن دو را دوست بدار، و دوست بدار کسی را که آن دو را دوست می دارد!» این حدیث در خصائص نسائی و کنز العمال و نیز در کتب دیگر اهل سنت وارد شده است. عن أبي هريره قال: قال رسول الله (ص): «من أحب الحسن و الحسين فقد أحبني و من أبغضهما فقد أبغضني». از ابو هریره روایت شده که او گفته است: رسول الله (ص) فرمود: «هر کسی که حسن و حسین (ع) را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و کسی که با آن دو بغض و عداوت پیشه کند،

با من بغض و دشمنی نموده است.» این حدیث در سنن ابن ماجه، مسند احمد حنبل و نیز در تاریخ بغداد و غیره روایت شده است.» عن سلمان قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: «الحسن والحسين ابناي من أحبهما أحبني ومن أحبني أحب الله ومن أحب الله أدخله الجنة، ومن أبغضهما أبغضني و من أبغضني أبغضه الله أدخله النار.» در مستدرک صحیحین، معجم طبرانی، و معجم الزوائد از سلمان روایت شده که او گفته است: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «حسن و حسین دو فرزندانم هستند، هر کسی آن دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و هر کسی مرا دوست دارد، خدا او را دوست دارد، و کسی را که خداوند سبحان دوست بدارد، وارد بهشت می شود ولی اگر کسی با حسن و حسین غضب و عناد داشته باشد، با من غضب و دشمنی نموده است، و هر کسی با من غضب و دشمنی کند، خداوند با او غضب می کند، و سرانجام او را در آتش می افکند.» مضامین این احادیث در ذخائر العقبی، کنز العمال، معجم کبیر طبرانی و غیره به تفصیل ذکر شده است.

حسین سرور جوانان بهشت

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله (ص): «الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة». محمد بن عيسى ترمذی در کتابش نقل نموده که ابی سعید خدری از رسول خدا روایت نموده که آن حضرت فرموده است: «حسن و حسین سروران جوانان بهشتند.» این حدیث در کتب مختلف اهل سنت و از طرق متعدد وارد شده است. چنانچه احمد بن حنبل در مسندش، و نسائی در خصائصش، و خطیب بغدادی در تاریخش، و نیز دیگران مثل ابن حجر عسقلانی، و ابو نعیم

اصفهانى و غيره، ذكر نموده اند. عن ابن عمر قال: قال رسول الله (ص): «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة و أبوهما خيرا منهما.» فرزند عمر از رسول خدا (ص) روايت نموده كه آن حضرت فرمود: «حسن و حسين سروران جوانان اهل بهشتند، و حضرت على (ع)، بهتر از دو فرزندشان است. اين حديث در سنن ابن ماجه، مستدرک صحيحين حاكم نيشابورى، معجم كبير طبرانى و نيز در غير آن ها روايت شده است.

تزيين بهشت به حسين

عن عقبه بن عامر قال: قال رسول الله (ص): «لما استقر أهل الجنة فى الجنة قال الجنة: يا رب أليس وعدتني أن تزيني بركنين من أركانك؟ قال: ألم أزينك بالحسن والحسين؟ قال: فماست الجنة ميساً كما تميمس العروس.» عقبه فرزند عامر از رسول خدا (ص) روايت نموده كه آن حضرت فرمود: هنگامى كه بهشتيان در بهشت مأوا گيرند، بهشت در پيشگاه خداوند عرض مى كند: خداوندا مگر وعده ندادى كه مرا به وسيله دو ركن از اركانت زينت دهى! خداوند در پاسخش مى فرمايد: آيا تو را به حسن و حسين زينت ندادم؟ سپس بهشت همانند عروس به خود مى نازد و فخر مى كند. اين حديث در كنز العمال، تاريخ بغداد و نيز در غير آن ها وارد شده است. و هم چنين احاديثى به همين مضمون در اسد الغابه و ديگر كتب اهل سنت وارد شده است. الحسنان يدخلان الجنة على خيل متوجه بالدر و الياقوت عن أبى هريره قال: قال رسول الله (ص): «يحشر الانبياء يوم القيامة على الدواب ليوافوا من يؤمهم للمحشر، ويبعث صالح على ناقته، وأبعث على البراق و يبعث ابنائى الحسن و الحسين على ناقتين من نوق الجنة.» ابو هريره گفته است كه رسول خدا فرمود: انبيا در روز قيامت، سوار بر

چهار پایان برانگیخته می شوند، و حضرت صالح سوار بر ناقه اش برانگیخته می شود، و من سوار بر براق برانگیخته می شوم، و فرزندانم حسن و حسین سوار بر دو ناقه بهشتی برانگیخته می گردند. این حدیث در مجمع الزوائد، معجم کبیر طبرانی، تاریخ بغداد و نیز در غیر این ه اوارد شده است. قال علی (ع)، قال رسول الله (ص): «إذا كان يوم القيامة كنت أنت و ولدك علي خيل بلق متوجه بالدر والياقوت فيأمركم الله بكم الى الجنة والناس ينظرون.» از حضرت علی (ع) روایت است که رسول خدا (به من) فرمود: وقتی روز قیامت فرا برسد، تو و فرزندت سوار بر اسب برانگیخته می شوید، در حالی که مزین به دُر و یاقوت است، خداوند برای شما دستور ورود به بهشت را صادر می کند، و مردم نظاره کننده شما هستند.

خبر دادن جبرئیل به شهادت و محل شهادت امام حسین

عن أنس بن مالك: «أن ملك المطر استأذن أن يأتي النبي (ص) فأذن له، فقال لأُم سلمة: املكي علينا الباب لا يدخل علينا أحد، قال: و جاء الحسين (ع) ليدخل فمنعته، فوثب فدخل، فجعل يقعد على ظهر النبي (ص) وعلى منكبه و على عاتقه، قال: فقال الملك للنبي (ص) أتجبه؟ قال: نعم، قال: أما إن أمتك ستقتله و إن شئت اريتك المكان الذي يقتل فيه فضرِب بیده فجاء بطينه حمراء فأخذتها ام سلمه فصرتها في خمارها» قال ثابت: بلغنا أنها كربلاء. از انس بن مالک روایت شده است: فرشته باران از پیامبر خدا (ص) اجازه خواست تا به خدمت آن حضرت بیاید. حضرت برایش اجازه ورود داد، و برای ام سلمه فرمود که مواظب در باش تا هیچ کسی وارد نشود، در این حال حسین (ع) آمد تا داخل خانه شود، ام سلمه مانع شد، حسین خُرد

سال به سرعت پرید و داخل خانه شد، سپس شروع کرد به نشستن بر پشت و کتف و گردن پیامبر (ص). فرشته به پیامبر (ص) عرض کرد: آیا او را دوست می داری؟! حضرت فرمود: بله! فرشته گفت: ولی اُمّت به زودی او را شهید می کند، اگر خواسته باشی، محل شهادت او را برای شما نشان می دهم؟ سپس فرشته دستش را زد و گلِ سُرخِ آورد، و ام سلمه آن را برداشت و با حزن و اندوه در بین لچک و رو سریش پنهان کرد. و بعد معلوم شد که محل شهادت آن حضرت سرزمین کربلا بوده است. این حدیث را احمد حنبل، محب الدین شافعی، ابو بکر هیشمی و ابو القاسم طبرانی و دیگران به تفصیل ذکر کرده اند. عن عبد الله بن وهب بن زعمه، قال: أخبرتنی أم سلمة إن رسول الله (ص) اضطجع ذات ليلة للنوم فاستيقظ وهو خائر ثم اضطجع فرقد، ثم استيقظ وهو خائر دونما رأيت به المره الأولى، ثم اضطجع فاستيقظ وفي يده تربة حمراء يقبلها، فقلت: ماهذه التربة يا رسول الله؟ قال: أخبرني جبريل (ع) إن هذا يقتل بأرض العراق - للحسين - فقلت لجبرئيل: أرنى تربة الأرض التي يقتل بها، فهذه تربتها. از عبدالله فرزند وهب فرزند زعمه روایت شده که او گفت: «ام سلمه به من خیر داد که رسول خدا (ص) شبی برای خوابیدن دراز کشید، سپس بیدار شد در حالی که گرفته و پریشان بود، دو باره حضرت دراز کشید و خوابش برد، سپس مضطرب و پریشان از خواب بیدار شد، اضطراب آن حضرت غیر از اضطرابی بود که در مرتبه اول در آن حضرت دیدم. بار سوم حضرت دراز کشید و این بار که از

خواب بیدار شد در دستش تربت سرخی بود که آن را می بوسید! سپس من گفتم: یا رسول الله این تربت چیست؟ حضرت فرمود: جبرئیل (ع) برایم خبر داد که این - اشاره به حسینش نمود - در زمین عراق کشته می شود. برای جبرئیل گفتم، خاک زمینی را که حسینم در آن جا شهید می شود نشانم بده، و این، تربت همان سرزمین است.» این حدیث را حاکم نیشابوری، محب الدین شافعی، ابو القاسم طبرانی، نقل کرده اند. و هم چنین مراجعه شود به کنز العمال متقی هندی، و صواعق محرقه ابن حجر هیثمی شافعی، و اعلام النبوه ماوردی. عن زینب بنت جحش: «أن النبی (ص) کان نائماً عندها وحسین (ع) یحبو فی البیت، فغفلت عنه، فجبا حتی أتى النبی (ص) فصعد علی بطنه، الی أن قال: قالت: ثم قام یصلی واحتضنه فکان اذا رکع و سجد وضعه و إذا قام حملاً، فلما جلس جعل یدعو و یرفع یدیه ویقول: فلما قضی الصلاه قلت: یا رسول الله لقد رأیتک تصنع الیوم شیئاً ما رأیتک تصنعه، قال: إن جبریل أتانی فأخبرنی أن ابنی یقتل، قلت: فأرنی تربته اذاً، فأتانی بتربه حمراء.» از زینب دختر جحش روایت شده است: «پیامبر خدا (ص) در پیش او خوابیده بود، حسین که کودک و کوچک بود با دست و پایش در منزل راه می رفت و بازی می کرد، لحظه ای از کودک غافل شدم، او به طرف رسول خدا (ص) آمد و بالای شکم مبارک آن حضرت رفت. زینب در ادامه سخنانش می گوید: سپس رسول خدا (ص) بلند شد و به نماز ایستاد و حسین خرد سالش را در بغل گرفت، و هنگامی که به رکوع و سجده می رفت، کودک را در زمین می گذاشت، و وقتی

دو باره می ایستاد، حسینش را برمی داشت، و هنگامی که آن حضرت نشست دست های مبارکش را بلند نموده و دعا می کرد. هنگامی که از نماز فارغ شد عرض کردم: ای رسول خدا (ص) امروز از شما کاری را مشاهده کردم که تا کنون ندیده بودم که چنین عملی را داشته باشید؟ پیامبر در پاسخ فرمود: جبرئیل نزد آمد و به من خبر داد که پسرم کشته می شود. گفتم: تربت و خاکش را نشانم ده! سپس خاک سرخی برایم آورد. «این حدیث در معجم کبیر طبرانی، و تاریخ دمشق و نیز در غیر این دو کتاب روایت شده است. روی احمد بن حنبل بسنده عن عبدالله بن نجا، عن أبيه، «أنه سار مع علي (ع) - وكان صاحب مطهرته - فما حاذى نينوى و هو منطلق الى صفين، فنادی علي (ع): اصبر أبا عبدالله اصبر أبا عبدالله بشط الفرات، قلت: وماذا؟ قال: دخلت علي النبي (ص) ذات يوم و عيناہ تفيضان، قلت: يانبي الله أغضبك أحد ما شأن عينيك تفيضان؟ قال: بل قام من عندي جبريل فحدّثني أن الحسين يقتل بشط الفرات، قال: فقال: هل لك الي أن أشمّكم من تربته؟، قال: قلت: نعم، فمدّ يده فقبض قبضه من تراب أعطانيها فلم أملك عيني - أن فاضتا.» احمد حنبل به سند خود از عبدالله نجا و او از پدرش روایت کرده است: «در هنگامی که علی (ع) رهسپار صفین بود، همراه آن حضرت بودم، و زمانی که نزدیک نینوا رسید حضرت مرا صدا کرد و فرمود: ابا عبدالله صبر کن، ابا عبدالله به شط فرات صبر کن! گفتم: برای چه؟ آن حضرت فرمود: «روزی در خدمت پیامبر خدا (ص) رسیدم، از چشمان آن حضرت اشک سرازیر

بود، عرض کردم: ای پیامبر خدا! آیا کسی شما را به خشم و غضب آورده که دیدگان شما این چنین اشک ریزان است؟ رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل نزد آمد و به من خبر داد: حسین در شط فرات کشته می شود! رسول خدا فرمود: سپس جبرئیل گفت: آیا می خواهی عطر و بوی تربتش را ببینی؟ رسول خدا فرمود: گفتم: بله! سپس جبرئیل دستش را دراز کرد و یک قبضه از تربت گرفت و به من داد و به همین دلیل است که بی اختیار اشک هایم سرازیر است.

دستور پیامبر به یاری حسین

عن أنس بن الحارث، عن أبيه الحارث - وكان من أصحاب النبي (ص) من أهل الصفه - قال: «سمعت رسول الله (ص) والحسين في حجره يقول: إن ابني هذا يقتل في أرض يقال لها العراق» فقتل أنس بن الحارث مع الحسين (ع). أنس فرزند حارث از پدرش که از اصحاب نبی (ص) و از اهل صفه بود روایت کرده است: «در حالی که حسین (ع) در دامن رسول الله (ص) قرار داشت، من از او شنیدم که می فرمود: این فرزندم (اشاره به حسین (ع)) در زمینی که به آن عراق گفته می شود، به شهادت می رسد.» و هنگامی که حسین (ع) رهسپار کربلا شد، آنس فرزند حارث همراه وی شد، و در رکاب آن حضرت به شهادت رسید. این حدیث را ابن اثیر در اسد الغابه ذکر نموده است، و هم چنین ابن حجر عسقلانی در ترجمه آنس بن الحارث بیان نموده و گفته است: «فخرج أنس بن الحارث إلى كربلاء فقتل بها مع الحسين (ع). و در مضمون این حدیث مراجعه شود به کنز العمال و ذخائر العقبی.

گذارن حضرت رسول تربت امام حسین را در نزد ام سلمه و خون آلود شدنش در روز عاشورا

عن عمر بن ثابت، عن الاعمش، عن شقيق، عن أم سلمه قالت: «كان الحسن و الحسين (ع) يلعبان بين يدي رسول الله (ص) في بيتي؛ فنزل جبريل فقال: يا محمد إن امتك تقتل ابنك هذا من بعدك، وأوماً بيده إلى الحسين (ع)، فبكي رسول الله (ص) و ضمّه إلى صدره ثم قال رسول الله (ص): وضعت عندك هذه التربة فشمها رسول الله (ص) قال: ريح كرب و بلاء، وقال: يا أم سلمه إذا تحولت هذه التربة دماً فاعلمي أن ابني قد قتل. فجعلتها أم سلمه في قاروره ثم جعلت تنظر إليها كل يوم و تقول:

ان يوماً تحوّلين دماً ليوم عظيم.» عمر فرزند ثابت از اعمش و او از شقيق روايت کرده که ام سلمه گفت: «حسن و حسين در منزلم جلو پیامبر بازي می کردند، جبرئيل نازل شد و برای پیامبر گفت: ای محمّد (ص) امتت بعد از تو این پسر را به شهادت می رساند، و با دستش به سوی حسين (ع) اشاره کرد، رسول الله (ص) گریه کرد و حسينش را در سينه اش گرفت، سپس رسول خدا (ص) فرمود: این تربت را در نزد تو می گذارم، رسول خدا (ص) آن تربت را بو کرد و فرمود: بوی کرب و بلاء است. و فرمود: ای ام سلمه! وقتی این تربت متحول به خون شد، بدان که پسر م کشته شده است. ام سلمه تربت را در شیشه ای گذاشت و هر روز به آن نگاه می کرد، و ام سلمه می گفت: روزی که تربت متحوّل به خون شود آن روز، روز عظيم مصيبت بزرگی خواهد بود.» این حديث را ابن حجر عسقلانی در تهذيب التهذيب ذکر نموده است. و مضمون این حديث را ابن حجر عسقلانی در مجمع الزوائد و طبرانی در معجم کبير و نیز غير آنها ذکر کرده اند.

خواب دیدن ام سلمه و ابن عباس رسول خدا را در هنگام شهادت امام حسين

روی الترمذی بسنده عن سلمی، قالت: «دخلت علی أم سلمه و هی تبکی، فقلت: ما يبکیک؟ قالت: رأیت رسول الله (ص) - تعنی فی المنام - و علی رأسه و لحيته التراب، فقلت: مالک يا رسول الله؟ قال: شهدت قتل الحسين آنفاً.» ترمذی به سند خود از سلمی روايت کرده است: «خدمت ام سلمه رسیدم و او گریه می کرد، از ام سلمه پرسیدم: چرا گریه می کنی؟ او در پاسخم گفت: رسول خدا (ص) را دیدم - منظورش دیدن در خواب بود - سر و

صورت و محاسن آن حضرت پر از خاک بود، عرض کردم: ای رسول خدا (ص) شما را چه شده است؟ حضرت فرمود: همین حالا شاهد کشته شدن حسینم بود.» ترمذی این حدیث را در سنن خود ذکر کرده نموده است، و هم چنین مضمون این حدیث را حاکم نیشابوری، ابن اثیر، بیهقی شافعی، ابن حجر عسقلانی و غیره به تفصیل ذکر کرده اند. عن ابن عباس، قال: «رأيت النبي (ص) فيما يرى النائم نصف النهار، أشعث و أغبر معه قاروره فيها دم، فقلت: يا نبي الله ما هذا؟، قال: هذا دم الحسين وأصحابه لم أزل التقطه منذ اليوم، قال: فأحصى ذلك اليوم فوجدوه قُتل قبل ذلك بيوم.» از ابن عباس روایت شده است: «پیامبر خدا (ص) را نیم روز در خواب دیدم که پریشان و خاک آلود بود که شیشه پر از خون با خود داشت، عرض کردم: ای پیامبر خدا! این چیست؟ در جواب فرمود: این خون حسین و اصحابش است که امروز پیوسته در این شیشه جمع کردم. ابن عباس گفت: آن روز را شمارش کرده و ضبط کردم، و بعداً معلوم شد که حسین (ع) یک روز پیش از آن به شهادت رسیده بود.» حاکم نیشابوری این حدیث را از ابن عباس در کتابش روایت کرده است، و هم چنین این حدیث به همین مضمون در مسند احمد حنبل، و اسد الغابه، الاستیعاب، الإصابه و نیز در غیر آن ها با اندک تفاوتی در لفظ و طریق وارد شده است.

امام حسین ثمره پیامبر

عن مولى عبدالرحمن بن عوف قال: خذوا عنى قبل أن تشابوا بالباطيل، سمعت رسول الله (ص) يقول: «أنا الشجرة و فاطمه فرعها، وعلی لقاحها، والحسن والحسين ثمرتها، وشيعتنا ورقها، وأصل الشجرة فى جنّه عدن و

سائر ذلك في سائر الجنه» از مولا عبدالرحمن عوف روایت است که او گفت: پیش از آن که گرد و غبار باطل چهره احادیث را بپوشاند، حقیقت را از من فراگیرید، از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «من درخت هستم، وفاطمه فرع و شاخه های درخت است، علی مایه باروری و ثمردهی اوست، حسن و حسین (ع) میوه ها و شیعیان و پیروان ما برگ های آن درخت هستند، ریشه و اصل درخت در بهشت عدن است و مابقی آن در سائر بهشت.» این حدیث در المستدرک علی الصحیحین و میزان الاعتدال و دیگر کتب اهل سنت روایت شده است.

محاربه با اهل بیت: محاربه با رسول الله

عن زید بن ارقم؛ ان رسول الله (ص) قال لعلی و فاطمه و الحسن و الحسین: «أنا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم.» زید بن ارقم روایت کرده است که رسول خدا (ص) به علی، فاطمه، حسن و حسین: فرمود: «هر کسی که با شما بجنگد با آن در جنگم، و با هر کسی که با شما در صلح و مسالمت باشد، در مصالحه و مسالمت هستم.» این حدیث را ترمذی در سننش روایت کرده است، و ابن ماجه آن را با اندک تفاوتی در لفظ در سننش آورده است. و هم چنین در دیگر منابع اهل سنت مثل المستدرک علی الصحیحین، ذخائر العقبی، اسد الغابه و غیره به تفصیل ذکر است. عن أبي هريره قال: نظر النبي (ص) الى علي و الحسن و الحسین و فاطمه فقال: «أنا حرب لمن حاربكم و سلم لمن سالمكم.» احمد حنبل در کتابش آورده که ابو هریره گفت: پیامبر خدا (ص) به علی، حسن، حسین و فاطمه (ع) نظر افکنده و فرمود: «هر کسی که با شما محاربه کند، با

او در محاربه هستم، و کسی که با شما در مسالمت و آشتی باشد، با او مسالمت دارم.» عن أبي بكر بن أبي قحافه أنه قال: «رأيت رسول الله (ص) خيّم خيمه وهو متكى على قوس عرييه، وفي الخيمه على فاطمه والحسن والحسين: فقال: معشر المسلمين أنا سلم لمن سالم أهل الخيمه، حرب لمن حاربهم، ولي لمن والاهم، لا يحبهم إلا سعيد الجدّ، طيب المولد، ولا يبغضهم إلا شقي الجدّ، ردىء الولاده.» محب الديق طبرى در رياض النضره و نير غير او ذكر کرده که ابو بكر بن قحافه گفته است: «رسول خدا (ص) خيمه اى برپا کرده بود و در ميان خيمه حضرت على، فاطمه، حسن و حسين (ع) در خيمه بودند، رسول خدا (ص) در حالى که بر کمان عربى تکیه داده بود، فرمود: اى طایفه مسلمانان! هر کسى که با اهل این خيمه در مسالمت و آشتی باشد، با او در مسالمت و آشتی هستم، و هر کسى که با آنان در حرب و جنگ باشد، با آنان در حرب و جنگم، محبت و دوستی من با کسانى است که با آنان در محبت و دوستی باشند. و هیچ کسى آنان را دوست نمى دارد، مگر افراد سعادت مند و خوش بخت، و آنانى که پدردارند و پاک و طاهر تولد یافته اند. و هیچ فردى با آنان دشمنى ندارد، مگر آنان که شقى و سنگ دل هستند و ولادتشان پست و ناپاک هستند.» خوارزمى در مناقب و قاضى نعمان مغربى در شرح الاخبار نیز ذکر کرده است. و این حدیث معیار حق و باطل را به صراحت بیان مى کند، و بسیار گویا و روشن مى گوید: محبان و دوستان على، فاطمه، حسن و حسين، سعادت مندان و پاکیزه به دنیا

آمدگان هستند و مبغضان و دشمنان علی، فاطمه، حسن و حسین، اشقیا و افراد بی مقداری هستند و ولادت شان ناپاک و پست است.

بنی امیه شجره ملعونه و مبغوض رسول الله

عن راشد بن سعد، عن أبي ذر، قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: «إذا بلغت بنو أمية أربعين اتخذوا عباد الله خولاً، ومال الله نحلاً، وكتاب الله دغلاً.» از راشد فرزند سعد روایت شده که ابو ذر گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «وقتی تعداد بنی امیه به چهل نفر برسند بندگان خدا را، بنده و برده خویش قرار می دهند و مال خدا را بخشش و عطیه خویش می پندارند، و کتاب خدا را بازیچه قرار می دهند.» این حدیث را حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین و متقی هندی در کنز العمال ذکر کرده اند. عن أبي برزہ الاسلمی، قال: «كان أبغض الاحياء الى رسول الله (ص) بنو أمية و بنو حنیفه و ثقیف.» ابو برزہ اسلمی گفته است: «مبغوض ترین جانداران، در نزد رسول خدا (ص)، بنی ثقیف، بنی حنیف، و ثقیف بودند.»

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

